انترناسیونال ۴۶۲

صفحه بازتاب هفته

تیتر مطلب در باکس بازتاب هفته در صفحه اول بیاید

کسی به حرفهای سردار نمی خندد

بهروز مهرآبادی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بهروز مهرآبادی

**کسی به حرفهای سردار نمی خندد**

اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی در مصاحبه با خبرگزاری مهر به نشان دادن خوردن گوشت مرغ در فیلمها اعتراض کرد چون که بخاطر گرانی مردم نمی توانند بخرند. سخنان ابلهانه سردار اسلام عمق فاجعه ای را که در ایران اتفاق افتاده است، نشان می دهد. این فاجعه چیزی نیست که بتوان آن را پنهان کرد. حتی وقتی دادستان تهران به مدیران روزنامه ها دستور می دهد که درباره گرانی ننویسند و کاظم صدیقی امام جمعه تهران اعلام می کند: "در ایران فقیر نداریم"، فرمانده ناجا ناچار به اعتراف می شود.

عمق فاجعه را از آنجا می توان فهمید وقتی می خوانیم که در یک فیلم تلویزیونی دیالوگی که در آن هنرپیشه، قیمت نارنگی در سال ۶۵ را بیان می کند، سانسور شده است. و آنوقت عجیب نیست که در روزنامه خراسان می خوانیم که در یکی از شهرک های اطراف مشهد، صاحبخانه ای از مستاجر اتاق کوچک حیاط خود شکایت می کند، چون بوی کبابی که از داخل اتاق مستاجر می آید باعث می شود، فرزندان او هم کباب بخواهند. مستاجر در دادگاه بیان می کند که پوست مرغ را از مغازه ها جمع کرده و آنها را به سیخ میکشد تا فرزندانش را با "کباب پوست مرغ" خوشحال کند. و قیمت گوشت مرغ از فروردین تا بحال دو برابر شده و به کیلویی ۸۰۰۰ تومان رسیده و قیمت سایر اجناس مصرفی بیش از ۷۰ درصد افزایش داشته است. لازم نیست بیشتر از این با خیره شدن به منحنی صعودی قیمت ها دچار سرگیجه شویم کافی است مقایسه کنیم که قیمت بعضی از ارزاق اولیه مردم، از قیمت همین کالاها در اروپا بیشتر است، در صورتی که حداقل دستمزد ها در ایران تقریبا یک دهم دستمزد در این کشورها است.

ضرورتی ندارد با آمار و ارقام بدنبال علت این فقر و فلاکت باشیم وقتی می خوانیم تعداد اتومبیل های پورشه فروخته شده در ایران در دوسال گذشته به ۸۰۰ عدد رسیده و تعداد این گرانترین ماشین جهان در خیابانهای تهران، نسبت به سالهای گذشته چند برابر شده است. آنوقت منظور امام جمعه تهران را که اعلام می کند: "تحریم ها الطاف خفیه الهی است"، می فهمیم.

قیافه سردار احمدی حتی وقتی حرف مضحکی می زند عبوس است و میتوان سایه وحشت را در آن دید. وحشتی که نمی تواند از بیان آن خودداری کند: "فیلمها امروز ویترین جامعه هستند و برخی افراد با دیدن این فاصله طبقاتی می گویند که خودمان چاقو دست میگیریم و حقمان را از این پولدارها خواهیم گرفت". فکر عقب مانده سردسته اوباش لباس شخصی، بجز چاقو ابزار دیگری نمی تواند تصور کند، به هیمن دلیل مردم معترض به فاصله عظیم طبقاتی را به چاقو بدستانی نظیر خود تشبیه می کند. اما اعتراض سردار بی دلیل نیست. او نگران روزی است که مردم در صفوف میلیونی به خیابانها بریزند و بخواهند حق خود را از آیت اله ها و سردارهای میلیادر بگیرند و بساط حکومت آنها را جمع کنند. روزی که چندان دور نیست.